

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لعنة الله علي اعدائهم اجمعين من الان الي قيام يوم الدين

یادآوری؛ بررسی مقام اول (جریان اصول عملیه و قاعده تجاوز) از احتمال اول یا فتوای سید(ره) در ضمن چهار مطلب

در مطلب اول، ملاحظه فرمودید که «اصالة عدم حدوث الشك قبل اكمال السجدين» جریان ندارد. بحث رسید به اینکه آیا قاعده تجاوز در این فرض جریان دارد یا نه؟

گفتیم فرض ما این است که اگر کسی در اثناء نماز - مثلاً در رکعت رابعه - می داند برای او يك شكی بین دو و سه واقع شده، نسبت به حصول این شك، یقین دارد، اما نمی داند که این شك بین دو و سه، قبل اكمال السجدين بود تا نماز باطل باشد؛ یا بعد اكمال السجدين است تا نماز صحیح باشد.

بررسی مطلب دوم: آیا قاعده تجاوز در مقام جاری است؟

نکته اول: وجود دو مبنا درباره قاعده تجاوز و فراغ

آیا می شود در اینجا قاعده تجاوز را جاری کرد؛ بگوئیم قاعده تجاوز می گوید فعلاً که از محل او گذشته، الآن در رکعت رابعه هستید و نمی دانید که رکعتین اولتین آیا صحیحاً انجام شده یا باطلاً؟ از این رو ما بیائیم در اینجا قاعده تجاوز را جاری کنیم. جریان این قاعده تجاوز:

«طبق مبناي مشهور»: که می گویند فرق بین قاعده تجاوز و قاعده فراغ در این است که:

«قاعده تجاوز»: در شكّ در وجود و اتیان است؛

اما:

«قاعده فراغ»: در شكّ در صحّت است.

روی این مبنا اصلاً مجالی برای جریان وجود ندارد، چون روی مبناي مشهور، قاعده تجاوز در جایی است که شما سجده رفتی و نمی دانی که آیا رکوع را آوردی یا نیاوردی؟ در حال تکبيرة الإحرامی و نمی دانی آیا اقامه را آوردی یا نیاوردی؟ یعنی در

شك در اتیان، مشهور قاعده‌ی تجاوز را جاری می‌کنند و فرق تجاوز و قاعده‌ی فراغ را در همین می‌گویند که: قاعده‌ی فراغ در شك در صحت است، «فی صحة الموجد» است؛ اما قاعده‌ی تجاوز در جایی است که شما شك در وجود دارید.

«طبق مبنای مختار»: اما ما در جایی خودش در بحث قاعده‌ی فراغ و تجاوز آنجا این رأی مشهور را نپذیرفتیم، گفتیم ادله‌ای که در این باب وارد شده، فرق بین قاعده‌ی تجاوز و فراغ در این است که:

«قاعده‌ی تجاوز»: مطلقاً مربوط به اثناء عمل است، در اثناء عمل چه شك در وجود دارید و چه شك در صحت دارید؟

اما:

«قاعده‌ی فراغ»: برای بعد العمل است؛ فرق بین قاعده‌ی تجاوز و فراغ را این‌طور گفتیم؛

آن وقت روی مبنای کسانی که قاعده‌ی تجاوز را در شك در صحت هم جاری می‌کنند، مثلاً الآن من دارم سجده انجام می‌دهم شك دارم که رکوع را صحیحاً انجام دادم یا نه؟ قاعده‌ی تجاوز جاری بشود، دارم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» را می‌گویم شك می‌کنم آیه قبل را درست خواندم یا نه؟ قاعده تجاوز جاری بشود، شك می‌کنم آیه‌ی قبل را آوردم یا نه؟ باز هم قاعده تجاوز جاری بشود، قاعده تجاوز، هم در شك در صحت است و هم در شك در وجود، منتها مربوط به اثناء عمل است.

نکته دوم: آیا قاعده تجاوز از امارات است یا از اصول عملیه؟

آنهايي که می‌گویند ما با قاعده‌ی تجاوز بیائیم در این مسئله‌ی رابعه بگوئیم این نماز صحیح است، باید بگویند قاعده تجاوز از امارات است و مثبتات امارات حجیت دارد، امارات مثبتات عادی یا عقلی‌اش هم حجیت دارد. چرا نیاز به این مطلب است؟ برای اینکه ما الآن در رکعت رابعه نمی‌دانیم آن شك دو و سه آیا قبل از اكمال السجدين بود یا بعد اكمال السجدين بود؟ خوب قاعده‌ی تجاوز باید بیاید اثبات کند این شك بعد اكمال السجدين است تا نماز صحیح شود، پس اگر ما بگوئیم:

اولاً: قاعده‌ی تجاوز از امارات است؛

ثانیاً: امارات لوازم خودش را هم اثبات می‌کند، یعنی لوازم غیر شرعی خودش را اثبات می‌کند، برخلاف اصول عملیه که اصول عملیه، لوازم خودش را اثبات نمی‌کند، پس این هم قید دوم برای استدلال است، قید دوم این است که بگوئیم قاعده‌ی تجاوز از امارات است، امارات لوازم غیر شرعی خودش را اثبات می‌کند.

آن وقت قاعده تجاوز می‌گوید تو که حالا از اینجا عبور کردی در رکعت رابعه هستی، این نماز صحیح است و شك تو بعد اكمال السجدين واقع می‌شود و واقع شده، این بیان استدلال به قاعده‌ی تجاوز. در کلمات برخی از بزرگان و اعظم مثل مرحوم محقق حائری(ره) در کتاب الصلاة‌شان استفاده می‌شود که ایشان قاعده‌ی تجاوز را در اینجا جاری می‌دانند.

ادله قائلین به جریان قاعده تجاوز در مقام

حالا ما می‌خواهیم امروز بررسی کنیم ببینیم آیا قاعده تجاوز در این مورد جریان دارد یا نه؟ توضیح مطلب این است که ما می‌خواهیم بگوئیم این شك بعد اكمال السجدين است و اگر بعد اكمال السجدين است، موضوع بناء بر اکثر محقق می‌شود. شما الآن می‌خواهید در اینجا که رکعت رابعه است بگوئید این رابعه، رابعه‌ی بنایی است، یعنی طبق بنایی بر اکثر رابعه شده است، اگر بخواهید بنایی بر اکثر باشد یعنی شما اگر واقعاً آنجایی که می‌دانید بعد اكمال السجدين نمی‌دانید این رکعت دوم بود یا سوم، می‌گوئید بنا را بگذار بر سه، یعنی موضوع بناء بر ثالثه در آنجا و یا بنایی بر رابعه در اینجا، جایی است که شك شما بعد اكمال السجدين باشد، اگر این را احراز نکنید قاعده‌ی بناء بر اکثر در اینجا جریان ندارد و تا قاعده‌ی بناء بر اکثر نیاید، نماز صحیح

نمی‌شود.

می‌گوئیم الآن قاعده‌ی تجاوز می‌گوید شما از آن محل دو و سه عبور کردید و تا اینجا صحیح است یعنی می‌گوید «اذا شككت في شيء ودخلت في غيره فشكك ليس بشيء» خوب می‌گوید عمل گذشته‌ی شما صحیح است، می‌گوییم این کافی نیست، می‌گوییم الآن قاعده تجاوز می‌گوید عمل گذشته شما صحیح است اما به چه ملاکی ما الآن بنا را بر اکثر بگذاریم؟ و صحیح است یعنی آنچه گذشته، صحیح است، اما به چه ملاکی برای رکعات آینده باید بنا را بر اکثر بگذاریم؟ پاسخ این است که به ملاک اینکه موضوعش موجود شده، و موضوعش چیست؟ اینکه شك، بعد اكمال السجدين است.

پس قاعده‌ی تجاوز دو تا کار باید انجام بدهد:

اولاً: هم باید بگوید عمل گذشته‌ای که شما که تا اینجا آوردید صحیح است؛

ثانیاً: هم حدوث شك را بعد اكمال السجدين اثبات کند؛ تا موضوع بناء بر اکثر پیش بیاید.

شما ببینید آنجایی که شما بعد اكمال السجدين بین دو و سه شك کردید و حکم این مسئله را هم نمی‌دانستید که در شك بین دو و سه، بعد اكمال السجدين باید بنا را بر اکثر بگذارید. و این را نمی‌دانستید اگر آمدید بنا را بر اقل گذاشتید، در اینجا نمازتان باطل است. بنابراین قاعده‌ی بناء بر اکثر موضوعش کجاست؟ در جایی است که شك شما بعد اكمال السجدين باشد، اما اگر شما این را نیابید احراز کنید بلکه بگوئید اینجا من نمی‌دانم شك من بعد اكمال السجدين بوده یا نه؟ که حالا می‌آئیم در اشکال به جریان قاعده‌ی تجاوز يك اشکالی که در کلمات کثیری از بزرگان هم وجود دارد این است که می‌گوئیم این را اثبات نمی‌کند که در توضیح خواهیم گفت، حالا منتها در بیان استدلال، ابتداء باید به نحو کبری بگوئیم که باید بپذیریم قاعده‌ی تجاوز از امارات است، این يك؛ و امارات، نیز لوازم غیر شرعی خود را اثبات می‌کند، این دو؛ لذا اگر این بشود، نتیجه این است که وقتی قاعده تجاوز جاری شد، قاعده تجاوز می‌گوید: این نمازی که شما خواندید من دو نتیجه می‌خواهم به تو بدهم، نتیجه اول اینکه: تا اینجا صحیح است، نتیجه دوم اینکه: شك تو بعد از اكمال سجدين است؛ تا مسئله‌ی موضوع بناء بر اکثر درست بشود. خوب این بیان استدلال به قاعده‌ی تجاوز است.

حالا ما می‌خواهیم ببینیم که آیا این استدلال که در کلمات بزرگانی از اعیان مثل مرحوم محقق حائری(ره) در کتاب الصلاة موجود است، آیا این استدلال، استدلال درستی است یا نه؟ عرض کردیم یکی از برکات این بحث‌های فروع علم اجمالی این است که واقعاً يك کارگاه آموزشی امثال این قواعد است، قواعدی همچون استصحاب، قاعده‌ی تجاوز، اصالة الصحة، قاعده‌ی اشتغال، اینها کجا جاری می‌شود و کجا جاری نمی‌شود؟ ما يك ماه رمضان مفصل بحث قاعده تجاوز و اشتغال را بحث کردیم، هیچ جایش این فرع مطرح نشده و اصلاً به برکت این فرع ما باید بیائیم به آن تنبیهات قاعده‌ی تجاوز يك تنبیه را اضافه کنیم.

بررسی چهار اشکال بر جریان قاعده تجاوز در مقام

اشکال اول از امام خمینی(ره) و محقق ایروانی(ره)

حالا دقت کنید يك اشکالی در کلمات مرحوم ایروانی(ره) و در کلمات امام خمینی(ره) هست و آن اینکه اگر بپذیریم قاعده‌ی تجاوز از امارات است، اما نمی‌تواند بیاید اثبات کند که این شك، بعد اكمال السجدين بوده و این را دیگر نمی‌تواند اثبات کند. بلکه قاعده‌ی تجاوز می‌گوید تا اینجا که آوردی درست است و تا اینجا که نماز را خواندی «صلاتك صحيحة»، اما «لا تثبت حدوث الشك بعد اكمال السجدين» و این موضوع برای قاعده‌ی بنای بر اکثر است.

مناقشه بر اشکال محقق ایروانی و امام خمینی(ره) از منظر مختار

جواب این مطلب روشن است که می‌گوئیم: اگر ما بپذیریم قاعده تجاوز از امارات است و امارات لوازم غیر شرعی‌اش را هم

اثبات می‌کند؛ از ایشان سؤال می‌کنیم چرا «لا تثبت»؟ اگر کسی بگوید قاعده‌ی تجاوز مثل استصحاب از اصول عملیه است و اصول عملیه مثبتاتش حجّیت ندارد، درست است، اما ما الآن فرض استدلال‌مان این است که قاعده‌ی تجاوز از امارات است و لوازم غیر شرعی‌اش را اثبات می‌کند، لذا مجالی برای این اشکال نیست.

اشکال دوم از امام خمینی(ره)

اشکال دومی که در کلام امام خمینی(ره) آمده که آن هم البته یک مقداری نزدیک به همین اشکال اول است، می‌فرمایند: «لو فرض أنّ الموضوع، [هو] الشك في الأخيرتين مع عدم حدوث الشك قبل اكمال الركعتين فلا يفيد»، اگر گفتیم موضوع قاعده‌ی بناء بر اکثر، کجا من می‌توانم بین دو و سه بناء بر اکثر بگذارم؟ جایی است که موضوع من این دو قید را داشته باشد: «یکم»: «الشك في الأخيرتين» باشد؛ «دوم»: «مع عدم حدوث الشك قبل اكمال الركعتين»، باشد، در اینجا می‌فرماید: «فلا يفيد»، باز فایده‌ای ندارد. چرا؟ در صفحه 131 کتاب «الرسائل العشر» می‌فرمایند: «بل لو فرض أنّ الموضوع الشك في الأخيرتين مع عدم حدوث الشك قبل اكمال الركعتين فلا يفيد، لأنّ القاعدة لو كانت أصلاً محرزاً»، چه اینکه اصل محرز در حکم اماره است، حالا این تشکیک وجود دارد، ما یک اصل داریم و یک اماره، اصل، «إما أن يكون محرزاً أو غير محرز»، مثلاً استصحاب را می‌گویند از اصول محرزه است، ولی برائت را می‌گویند از اصول غیر محرزه است و اصول محرزه هم از نظر لوازم و حجّیت لوازمش، مانند امارات است.

اشکال امام چیست؟ می‌فرمایند: «لأنّ القاعدة لو كان أصلاً محرزاً فلا تكون إلا أصلاً محرزاً حينئذ لا محرزاً مطلقاً»، این احرازیتش، حیثی است و به نحو مطلق نیست! بعد توضیح می‌دهند می‌فرمایند: «و لهذا لا يفيد البناء علي تحقّق الطهارة في صلاة بعد فراغها لإحرازها لصلاة أخرى»، نماز شما تمام شد، شك می‌کنید که آیا این نمازتان طهارت داشته یا نه؟ قاعده‌ی فراغ را جاری می‌کنید.

(البته در پرائنتز عرض کنم امام خمینی(ره) از جمله کسانی هستند که مبنایشان این است که قاعده‌ی فراغ و تجاوز یک قاعده است، این نظر امام(ره) است و ما در جای خودش بر فرمایش ایشان مناقشه کردیم. روایات و ادله قاعده فراغ و تجاوز به خوبی دلالت دارد که اینها دو تا قاعده است.)

امام خمینی(ره) می‌فرمایند: اگر نماز شما تمام شد و شك کردی این نمازت با طهارت بوده یا نه؟ قاعده فراغ و تجاوز می‌گوید: این نماز صحیح است، اما آیا می‌توانی الآن بلند شوی، بدون اینکه وضو بگیری، نماز بخوانی؟ می‌فرماید: نه، بلکه باید دوباره وضو بگیری، می‌فرمایند علتش این است که قاعده‌ی فراغ و تجاوز یک اصل محرز حیثی است، یعنی از حیث این اجزاء گذشته مشکلی ندارد، اما نمی‌آید بگوید: «أنت علي طهارة الآن»، و نمی‌گوید که تو طهارت داری و بلند شو الآن نماز دوّم را بخوان. «لأنّ التّعبد بالوجود من حيث الصلاة التي فرغ منها لا مطلقاً».

امام(ره) بعد می‌آیند در ما نحن فيه تطبیق می‌کنند و می‌فرمایند: «ففي ما نحن فيه يكون التّعبد بعدم الشك قبل الإكمال من حيث الاصاله في صحّة الصلاة»، در ما نحن فيه تعبد به اینکه شك قبل اكمال السجدين نبوده، این فقط يك فایده دارد و آن اینکه این اجزایی که تا حالا آوردید تصحیح کند و از این حیث فقط فایده دارد، «لا من حیثیات آخر»، اما از حیث دیگر «ككونه موضوعاً للبناء علي الأكثر»، این نمی‌تواند این را اثبات کند که موضوع برای بناء علي الاكثر باشد، یعنی نمی‌تواند بگوید که این شك «حدث بعد اكمال السجدين» تا موضوع قاعده‌ی بناء بر اکثر، درست شود.

پس خلاصه فرمایش امام خمینی(ره) این شد که قاعده‌ی تجاوز زورش به گذشته می‌رسد – حالا این طور ی خیلی عوامانه و ساده خواهیم حرف بزنیم – قاعده تجاوز می‌آید اجزاء گذشته را ترمیم و درست می‌کند، اما نمی‌آید اثبات کند که این شك، بعد اكمال السجدين بوده تا موضوع بنا بر اکثر درست بشود.

مناقشه بر اشكال امام خميني(ره) از منظر مختار

خوب اشكال ما همان است كه به مطلب قبلي داشتيم، مي گوئيم اگر شما مي گوئيد قاعده تجاوز، اماره است يا به فرمايش خودتان كه مي گوئيد: اصل محرز است، اصل محرز معنايش اين است كه اين لازمه اش را اثبات كند و بگويد: «**عملك صحيح و لازمه حدوث الشك بعد اكمال السجدين**»، اين كه يك امر روشني است.

بنابراين از اين جهت، اين اشكال دوم هم كه تقريباً برمي گشت به اشكال اول، منتها با يك بيان ديگري امام خميني(ره) بيان فرمودند، اشكال واردي نيست.

جلسه آتي: بررسي اشكال سوم از مرحوم زنجانى(ره)

اما مرحوم ميرزا باقر زنجانى(ره) كه متولد سال 1312 قمرى و متوفاي 20 رمضان المبارك 1394 قمرى، يعنى متولد 1273 و متوفى 1353 شمسى است، و عالم بسيار دقيق النظرى هم بوده اند، ايشان رساله اى دارد در فروع علم اجمالى به قلم شريف خودش هم هست، در آنجا ايشان يك اشكال ديگرى دارد، در صفحه 82 و 83.

عبارت ايشان هم حالا مع الأسف يك مقداري مشكل است. اين افرادى كه خيلى ذهنشان قوي بوده و قوي النظر بودند، معمولاً در ترتيب و چينش مطالب، يا آوردن تعابير خيلى روشن، اهتمامى نداشتند، روى همان ذهن خودشان حركت مى كردند، لذا اصلاً اين كتاب هم شايد يكي از عللى كه خيلى جا باز نكرده همين است كه فهمش واقعاً مشكل است و خيلى حوصله مى خواهد و به قول يكي از بزرگان كه مى گفت زمان ما متاسفانه درس و بحثها ساندويچى شده و اين بحثهاى عميق و اين مطالب عميق و اين دقتها، ظاهراً ديگر از حوزه رخت بر بسته و بايد خيلى تأسف خورد. مشكل اين است كه حوزه ما در اين چند دهه اخير واقعاً از جهت علمى بسيار تنزل پيدا كرده، آن شوق و علاقه ي وافرى كه به علم در قديم بوده، از ميان رفته؛ چه اينكه گاهى اوقات براى يك مسئله ماهها بزرگان ما معطل مى شدند تا به نتيجه برسند، اما حالا هم گوينده و هم شنونده مى گويند مسئله را بگوئيد يك دليلى هم برايش بگوئيد و سراغ مسئله ي بعدى برويد و اين اجتهادپرور نيست. حالا كلام مرحوم زنجانى را در آن صفحه 82 و 83 مطالعه بفرماييد.

لزوم دعا و رعايت آداب دعا

امشب شب شهادت حضرت اميرالمؤمنين و شب بيست و يكم ماه رمضان است بر حسب آنچه اعلام شده و شب دوم ليلى قدر است از همه آقاى التماس دعا داريم واقعاً در رأس دعاها بايد اين باشد كه خدا حلاوت علم و نورانيت علم را در قلوب انسان قرار بدهد، اين به دست خود انسان نيست كه بگويد من مطالعه مى كنم، مباحثه مى كنم، حفظ مى كنم، نه! اگر انسان صدها مَن كتاب هم حفظ كند نمى شود به او گفت عالم، عالم يك نوري مى خواهد كه به وسيله آن به حقيقت يك مطلبى برسد و او را براى خودش روشن كند، در رأس دعاها بايد...، حالا كنار اينكه دعاهاى عمومى براى حلّ مشكلات مسلمانها انسان داشته باشد، يكي از اشكالاتى كه در اين ليالى قدر انسان دارد اين است كه فقط به فكر خودش است، كمبودهاى خودش را در نظر مى گيرد در حالى كه در آداب دعا دارد كه انسان دعا كننده اگر قبل از اينكه به فكر خودش باشد به فكر ديگران باشد و براى ديگران دعا كند، خدا خوشش مى آيد از اين انسانى كه اين روحيه و اين حال را دارد كه اول به فكر بقيه است، به فكر مسلمانان فلسطين، مسلمانان سومالى، شيعيان بحرين و مسلمانانى كه در كشورهاى مختلف امروز واقعاً زير چكمه ي استكبار و استعمار له مى شوند.

ارزش و بركت نظام جمهورى اسلامى

واقعاً انسان هر چه دنيا را نگاه مى كند ارزش اين نظام جمهورى اسلامى را بيشتر پي مى برد، اين امنيتى كه به بركت نظام اسلامى بوجود آمده، حالا مشكلاتى هست و هيچ كس هم نمى گويد كه در اين كشور مشكلاتى نيست، ولي واقعاً انسان قدر بداند،

این حوزه‌ی علمیه قم، مشهد، اصفهان، بیش از 300 حوزه در کشور داریم که با خیال راحت مشغول درس و بحث و تحقیق هستند که همه به برکت این نظام جمهوری اسلامی است، هم برای حفظ این نظام، برای رفع معایب این نظام، برای رفع نواقص این نظام باید دعا کنیم و هم برای مشکلات شیعیانی که در کشورهای دیگر هستند، انسان‌های مظلومی که در کشورهای دیگر هستند.

در رأس ادعیه باید درخواست عبادت و بندگی خالص خدا و فتح ابوابی از علم و اجتهاد باشد.

در رأس ادعیه‌ی شخصی‌مان این باشد که خدایا عمر ما در حال اتمام است و ما از علم حضی نبردیم، از عبادت و بندگی تو هم حضی نبردیم این را به عنوان مهمترین مشکل خودمان مطرح کنیم و ان شاء الله جزء مقدرات ما در سال آینده فتح ابوابی از اجتهاد و علوم، قرآن، احکام و ... باشد، ان شاء الله.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَالسَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ